

ویروس‌های امتحانی

بررسی عوامل بروز مشکلات
در امتحانات
○ دکتر مبین صالحی

اشاره: همواره باید توجه داشت که بروز یک مشکل در زندگی انسان‌ها، می‌تواند برخاسته از چند عامل باشد. در مشکلات مربوط به امتحان نیز، این‌گونه است و باید همه جنبه‌های احتمالی آن واکاوی شود. با مطالعه این مطلب، چند نمونه از عوامل مشکل‌آفرین در امتحانات را فرا خواهید گرفت. یادآوری این عوامل، به این معنا نیست که همه آن‌ها در فرزند شما وجود دارد؛ بلکه برای شناخت عمیق‌تر شما از چرایی مسئله و سپس حل بهتر و علمی‌تر مشکل است.

کودکانی

که رفتارهای وسواس گونه

دارند، هنگام پاسخگویی در امتحان

رفتارهای شاخصی دارند: پاک کردن

زیاد، تردید در پاسخ دادن، تراشیدن مکرر

نوک مداد، سؤال زیاد از معلم یا وجود

دانستن پاسخ‌ها و تأیید گرفتن مکرر

از معلم برای پاسخ‌هایی که

نوشته‌اند.

۱. اختلال یادگیری:

در این اختلال، کودک با وجود داشتن هوش طبیعی، در روخوانی، درک مطلب، رونویسی، دیکته و محاسبات ریاضی یا حل مسئله به مشکل برمی‌خورد؛ یعنی به جز درس ریاضی و خواندن و نوشتن، در درس‌های دیگر به‌ویژه در درس‌های حفظ‌کردنی مشکل ندارد. این کودکان، کم‌دقت یا تنبل نیستند؛ بلکه مهارت‌های لازم برای یادگیری ریاضی و خواندن و نوشتن درست را ندارند. پرخوانی، گرفتن معلم خصوصی یا جایزه دادن، راه حل این مشکل نیست؛ بلکه این کودکان به درمان تخصصی نیاز دارند.

۲. بیش‌فعالی:

در این اختلال، کودک طیفی گسترده از مشکلات را دارد: حواس پرتی، بی‌دقتی، تمرکز پایین، بی‌علاقه بودن به مطالعه و کار فکری، فراموش‌کاری، پرحرفی، تحرک بالا، بی‌قراری و... برای این کودکان، آرام نشستن سر جلسه امتحان و تمرکز کردن هنگام پاسخ‌گویی به پرسش‌ها دشوار است. کودکان بیش‌فعال برخلاف آن‌ها که اختلال یادگیری دارند، در همه درس‌ها دچار مشکل می‌شوند؛ همچنین آن‌ها در یادگیری مهارت‌ها مشکل ندارند؛ بلکه اجرای مهارت‌های درسی برایشان دشوار است؛ زیرا دقت لازم را ندارند. اگر گاهی از این کودکان، نمره‌های خیلی خوب دیدید، تعجب نکنید. از درمان این کودکان غافل نشوید و برای درمان آن‌ها، از روان‌شناسان کودک بهره‌برید.

۳. کم‌توانی ذهنی:

کودکانی که هوش بهر (IQ) کافی برای تحصیل ندارند، در زمینه یادگیری به مشکلاتی دچار می‌شوند. ممکن است این کودکان را «دیرآموز» بنامند. آن‌ها تقریباً در همه درس‌ها ضعیف‌اند و برای یادگیری، به تکرار و تمرین فراوان نیاز دارند.

۴. اختلال هماهنگی حرکتی:

کودکانی که بسیار بدخط و ناخوانا و گاهی کند می‌نویسند، ممکن است به این اختلال دچار باشند. مشکل این کودکان، عضلات ظریف انگشتانشان است. آن‌ها ممکن است در بستن دکمه، استفاده از قیچی یا برداشتن چیزهای کوچک نیز، مشکل داشته باشند. کاردرمانی جسمی (تقویت عضلات ظریف) کمک‌کننده است.

۵. اضطراب جدایی:

کودکان دچار اضطراب جدایی اگر از مادر جدا شوند، مضطرب می‌شوند. اصرار کودک بر این‌که مادر در مدرسه بماند، دل‌دردهای مکرر صبحگاهی پیش از مدرسه رفتن، حالت تهوع در مدرسه، نگرانی از سلامت مادر در طول ساعات مدرسه و پرسش از حضور مادر در خانه هنگام برگشت از مدرسه، نشانه‌های این اختلال است. این کودکان در

جلسه امتحان نیز به سبب اضطراب بالا، تمرکز کافی ندارند.

۶. فشار خانواده یا معلم برای پیشرفت:

فشار خانواده و معلم بر کودک برای بهتر شدن نمره یا گرفتن نمره‌های خوب، سبب اضطراب او می‌شود. کودک مضطرب در جلسه امتحان به جای تمرکز بر پرسش‌ها، نگران است که اگر نمره خوب نگیرد، پدر و مادرش او را سرزنش می‌کنند. این نشانه فشار بیش از حد والدین است؛ البته نباید کودک را رها کرد؛ اما جالب است بدانید کودکانی که نگران نمره پایین آوردن هستند، به سبب افت تمرکز، حتماً نمره پایین می‌آورند. به این اتفاق «پیش‌بینی خودکام‌بخش» می‌گویند.

۷. رقابت جویی:

رقابت جویی به طور طبیعی در کودکان وجود دارد؛ اما تأکید بر آن سبب ضعیف شدن روحیه همکاری و نوع دوستی و افزایش دشمنی‌ها می‌شود. کودکی که تنها هدفش، برتری یافتن بر همسالانش است، نه تنها از یادگیری لذت نمی‌برد، بلکه هنگام ارائه کردن مطالبی که آموخته نیز، نگران است و نمره‌اش کم می‌شود.

۸. وسواس و کمال‌گرایی:

کودکان دارای رفتارهای وسواس‌گونه، هنگام پاسخ‌گویی به پرسش‌های آزمون، رفتارهایی مشخص دارند؛ برای نمونه می‌توان به پاک کردن زیاد، تردید در پاسخ دادن، تراشیدن مکرر نوک مداد، پرسیدن بسیار از معلم یا وجود دانستن پاسخ‌ها و تأیید گرفتن مکرر از معلم برای پاسخ‌هایی که نوشته‌اند، اشاره کرد. این کودکان فکر می‌کنند باید بهترین نمره را بگیرند؛ یعنی اشتباه نداشته باشند. به این ویژگی «کمال‌گرایی» می‌گویند. کمال‌گرایی سبب افزایش اضطراب می‌شود؛ زیرا کودک به خود، فرصت اشتباه کردن را نمی‌دهد.

چه باید کرد؟

۱. شناسایی مشکلات و ارجاع به مشاور:

در صورتی که معلم به وجود هر یک از این اختلال‌ها در دانش‌آموزی شک کرد، لازم است گزارشی مکتوب با جزئیات کافی درباره مشکل به پدر و مادر ارائه کند و از آن‌ها بخواهد او را برای تشخیص و درمان، نزد روان‌شناس ببرند.

۲. دیدن پیشرفت، نه نمره:

کودک را برای نمره بالا تشویق نکنید؛ بلکه به پیشرفت او توجه کنید. یک خاطره جالب: وقتی کلاس دوم راهنمایی بودم، مدیر مدرسه گفت که ثلث دوم به افراد ممتاز جایزه نمی‌دهیم؛ بلکه به افرادی جایزه می‌دهیم که جمع نمرات کارنامه آن‌ها دست‌کم پنج

نمره افزایش داشته باشد. جالب بود؛ برخی از دانش‌آموزان که جایزه گرفتند، تا آن زمان هیچ‌گاه برای تحصیلشان جایزه نگرفته بودند.

۳. تأیید ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری مثبت کودک:

برخی کودکان به سبب مشکلاتی که دارند، پیشرفت چندانی در تحصیل ندارند و حتی گاهی دچار افت نمرات می‌شوند؛ اما باید دانست که یک کودک دبستانی، همواره به دیده شدن و تأیید نیاز دارد؛ بنابراین معلم همیشه باید بهانه‌ای برای تشویق همه کودکان داشته باشد. دادن بازخورد مثبت به رفتارهای مناسب کودکی که ضعف تحصیلی دارد (مانند مؤدب بودن، کمک کردن به دانش‌آموزان دیگر و منظم بودن) سبب افزایش انگیزه برای تلاش بیشتر در تحصیل می‌شود. معلمی از تحسین رفتارهای مناسب دانش‌آموز غافل می‌شود که محور را تنها کسب دانش می‌داند، نه تربیت درست.

۴. تمرکز بر مثبت‌ها، نه منفی‌ها:

«غلط‌گیرها» افرادی هستند که فقط منتظرند کودک کار اشتباهی انجام دهد تا به او تذکر دهند و سرزنش کنند. بیایید بکوشیم مثبت‌ها را هم ببینیم. زمانی مادری به من مراجعه کرد و از بدخطی کودکش شکایت کرد. او معتقد بود کودکش می‌تواند خوش خط بنویسد، اما نمی‌نویسد. مادر روش‌های گوناگون (مانند جایزه دادن، تنبیه، سرزنش و التماس کردن) را امتحان کرده بود؛ اما فایده‌ای نداشت. به مادر پیشنهاد کردم از فردا مشق فرزندان را که دیدی، فقط به دنبال کلمات یا حروف خوش خط بگرد و تحسین کن. جلسه بعد، مادر که برق شادی در چشمانش مشخص بود گفت: «روز اول هر چه گشتم، چیز خوش خطی ندیدم. فقط یک «را» نسبتاً خوش خط بود. من هم مفصل او را بابت این «را» تحسین کردم. فردا که مشقش را دیدم، پر بود از «را»های خوش خط. پس فردا «در»ها و به مرور کلمات بعد را نیز خوش خط نوشت. در عرض یک هفته ۵۰ درصد خطش بهتر شده است.»

۵. تفاوت فردی:

پاسخ دادن به پرسش‌های امتحان برای همه یکسان نیست. یکی مرتب حواسش پرت می‌شود و نیاز دارد معلم گهگاه او را برای افزایش تمرکز تحریک کند؛ «ادامه بده. حواست به برگه خودت باشد»؛ دیگری به وقت اضافه نیاز دارد؛ زیرا کند می‌نویسد. برخی نیز به نظارت دقیق نیاز دارند و اگر کنار معلم نشاندن نشوند، از نوشتن دست برمی‌دارند. برخلاف آنچه بیشتر تصور می‌شود، نمره امتحان ملاک یادگیری نیست. آیا کودکی که به علت کندنویسی نیمی از پرسش‌ها را پاسخ نداده و نمره ۱۰ می‌گیرد، فقط نیمی از درس را بلد است؟! بنابراین برای برداشت درست از میزان یادگیری دانش‌آموز، باید به تفاوت‌های فردی توجه شود. بسیاری از دانش‌آموزان، پاسخ

نوشتاری کامل به پرسش‌های امتحان نمی‌دهند؛ اما اگر به صورت شفاهی از آن‌ها بپرسید، پاسخ را کاملاً منتقل می‌کنند. زمانی مسابقه بالا رفتن از درخت میان حیوانات برگزار شد. میمون برنده شد و ماهی بازنده! هر کس توانایی خاص خود را دارد. فقط نیاز است کشف شود. لطفاً مسابقه شنا هم بگذارید!

۶. همکاری با مشاور:

بهترین الگوی مشاوره تحصیلی، رابطه مشاوره‌ای مثلثی است: مشاور، پدر و مادر و معلم. البته دانش‌آموز، محور این رابطه است. برنامه‌هایی که قرار است برای تغییر وضعیت دانش‌آموز طراحی و اجرا شود، باید زیر نظر هر سه فرد مؤثر انجام گیرد. دعوت از معلم به جلسه مشاوره، گرفتن گزارش کتبی و تلفنی از معلم و نوشتن پیشنهادهای لازم برای معلم، از گزینه‌های مؤثر است. در این رابطه، پدر یا مادر فعال‌ترین عضو خواهند بود.

۷. بررسی روش کار مادر:

آموزگاران محترم در صورت مشاهده نشانه‌های اضطراب در دانش‌آموز، می‌توانند احتمال سخت‌گیری والدین در انجام تکالیف یا فشار برای کسب نمرات بالاتر را لحاظ کنند؛ هر چند احتمالات دیگر (مانند فشار توسط معلم، اضطراب درونی خود کودک یا مدرسه‌هراسی) را هم رد نمی‌کنیم. در این شرایط یک مشاور تحصیلی یا روان‌شناس بالینی کودک می‌تواند روش تعامل درست والد کودک درباره مسائل تحصیلی را برای پدر و مادر شرح دهد.


۸. پرهیز از برچسب زدن و سرزنش در جمع:

از بیان نقاط ضعف کودک در یادگیری در جمع کودکان به شدت پرهیزید. این کار جز سرافکنندگی دانش‌آموز و کاهش انگیزه او برای یادگیری، نتیجه‌ای ندارد. معلم می‌تواند کودک را کنار میز خود دعوت کند و مشکل را به آرامی برایش توضیح داده، انتظارش را بیان کند یا در زنگ تفریح با او جلسه بگذارد. شک نکنید مؤثر است!

۹. شکیبایی در آموزش:

برای دانش‌آموزان دیرآموز، کم‌دقت یا مضطرب، زمان و انرژی بیشتری لازم است. برای افزایش شکیبایی، سفارش می‌کنم «عشق و علاقه درونی به کودکان» را در خود تقویت کنید. معلمی که دانش‌آموز خود را دوست دارد، از سر و کله زدن با او و تکرار چندباره مطالب خسته نخواهد شد. شاید جسمش خسته شود، اما شادابی روحش را از دست نخواهد داد. در پایان به این روایت بسیار تأثیرگذار و سرشار از مضامین روان‌شناختی از امیرالمؤمنین علیه السلام توجه کنید: «هر کس در بسیاری از مسائل، تغافل و چشم‌پوشی نکند، زندگی‌اش تیره و تلخ می‌شود.»

* غرالحکم، ص ۴۵۱.



برای
دانش آموزان دیرآموز،
کم دقت یا مضطرب زمان بیشتر
و انرژی بیشتری لازم است. برای
افزایش شکیبایی توصیه می‌کنم
«عشق و علاقه درونی به
کودکان» را در خود تقویت
کنید.